



۵ سال انتظار برای ویلچر

مدیرعامل انجمن ندای معلولان ایران گفته است که باید اسکان واردات ویلچر با ارز خارجی برای افراد دارای معلولیت هم مثل جانبازان فراهم شود. به گزارش ایلتا، محمود کاری درباره مشکلات تهیه ویلچر برای معلولان گفت: «معلولان اگر در استفاده از ویلچرهای ایرانی خیلی ملاحظه کنند، بیش از دو، سه سال سالم نمی ماند. از طرفی ۵ الی ۶ سال هم برای گرفتن ویلچر جدید باید در نوبت بمانند و اگر معلولان هم ویلچری بخواهند که ۵ الی ۶ سال کار کند، قیمتش بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان است که بودجه و اعتبارات سازمان بهزیستی هم کفاف تأمین چنین ویلچرهایی را نمی دهد.» او درباره قیمت ویلچر گفت: «قیمت ویلچر ایرانی از ۳ تا ۱۵ میلیون تومان در بازار وجود دارد. قیمت ویلچرهای برقی نیز بین ۲۵ میلیون تا ۷۵ میلیون تومان است و قیمت ویلچرهای خارجی نیز تا ۱۵۰ میلیون تومان است.»



تهرانی‌های زیر خط فقر مسکن

مهدی هدایت، مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران گفته است که ۴۲ درصد خانوارهای شهر تهران زیر خط فقر مسکن هستند و در شاخص توان پذیری مسکن اصلاً وضع خوبی نداریم که این مسئله نیاز شهر به مسکن سازی را تشدید می کند: «بعد از ابداع طرح تفصیلی جدید، به دلیل ایجاد برخی محدودیت‌ها، تعداد صدور پروانه برای واحدهای مسکونی کوچک‌مقیاس کم شد و صدور پروانه به سمت واحدهای بزرگتر رفت. این موضوع موجب تولید واحدهای مسکونی شد که تناسبی با نیاز عموم خریداران نداشتند، چراکه واحدهای مازاد مورد بحث عموماً در شمال شهر تهران هستند و برای گروه‌های هدف مناسب نیستند.» او ادامه داد: «بیشتر افزایش جمعیت شهر تهران ناشی از ولادت‌هاست که ۷۹ درصد جمعیت را شامل می شود و مهاجرت سهم ۲۱ درصدی در افزایش جمعیت پایتخت دارد. در استان تهران شهر پردیس بیشترین سهم مهاجرپذیری و شهر تهران کمترین سهم از مهاجرت را دارد. بنابراین با در نظر گرفتن ولادت‌ها و ازدواج‌ها و طلاق‌ها، باید گفت که بیشترین نیاز شهر تهران به مسکن مربوط به ساکنان اصلی شهر است نه جمعیت مهاجر.»



هشدار پلیس به یک گروه سنی

رئیس اداره اجتماعی پلیس آگاهی فرجا نسبت به کلاهبرداری افراد سودجو از سالمندان در هنگام انجام کارهای بانکی به‌خصوص کار با دستگاه‌های خودپرداز هشدار داد. به گزارش خبرنگاران، محمد شرفی با اشاره به سوءاستفاده‌های صورت گرفته در زمان حضور افراد در پای دستگاه‌های عابر بانک گفت: «مرور خبرهایی چون دستگیری عوامل سرقت حساب‌های بانکی سالمندان، شگرد یک سارق برای کلاهبرداری از افراد بی سواد در کنار دستگاه خودپرداز، کلاهبرداری از افراد سالمند، دستگیری عوامل سرقت حساب‌های بانکی سالمندان... نشان می دهد که افراد شیاد در این روش سعی می کنند با بهانه‌های مختلفی چون کمک کرن یا کار با اکر انداختن به افراد کهنسال آنها را فریب داده و با شگردهای خاص مجرمانه حساب آنان را تخلیه کنند.» او ادامه داد: «برخی افراد فرصت طلب منتظر کوچکترین غفلت از افراد بزه‌پره هستند. دیده شده افرادی به بهانه کمک به سالمندان که طرز استفاده از کارت بانکی را به‌خوبی نمی دانند، اطلاعات و رمزهای آنها را سرقت می کنند و در فرصت مناسب بلافاصله اقدام به خالی کردن حساب بانکی آن‌ها کرده یا وجه موجود را به کارت دیگر انتقال می دهند.»

گزارش «هم‌میهن» از ایرانی‌هایی که در راه رفتن غیرقانونی به اروپا بازداشت و به زندان‌های طولانی مدت محکوم می شوند

راننده از ایسران زندانی در یونان

زندانیان قاچاق انسان اکنون ۲۰ درصد از جمعیت زندانیان یونان را تشکیل می دهند و تا فوریه ۲۰۲۳ بیش از ۲ هزار نفر با این اتهام در زندان‌های یونان بوده‌اند

المیرا روشنفر

خبرنگار گروه جامعه



یوسف مولایی

وکیل و حقوقدان

حقوق بین الملل:

این وظیفه وزارت

امور خارجه است که

پرورنده ایرانیانی را که

اینگونه به زندان‌های

خارج از کشور

می افتند، پیگیری

کند. خانواده این افراد

باید وکیل بگیرند و

از طریق سفارت‌ها و

کنسولگری‌های ایران

خواهان کمک در

پرورنده‌هایشان باشند.

خانواده‌ها به تنهایی

در این پرورنده‌ها به

جایی نمی رسند و باید

حمایت‌های دولتی

پشت آنها باشد تا

بتوانند به جوابی

برسند. معمولاً قوانین

موجود بین المللی

در این باره درباره

پناهجویان عمل

نمی شود و نیاز به

اقدامات دیپلماتیک

در این زمینه است

است. این به آن معناست که قانون نه تنها کسانی را که مدعی حمایت از آن است، بلکه در واقع به حاشیه رانده ترین آنها را مجازات می کند؛ کسانی که نمی توانند هزینه سفر را بپردازند و در نتیجه مجبور می شوند خود را در معرض خطر بیشتری قرار دهند. سال گذشته هم یک پناهجوی افغان به دلیل اتهام نادرست به قاچاق افراد، ۱۵۹۲۰ یورو غرامت دریافت کرد. به گفته وکلای این پناهجو، او بیش از دو سال از حکم ۵۰ سال زندان را گذرانده بود، چون به عنوان فردی که کشتی را هدایت می کرد، دستگیر شد ولی مقصران واقعی قایق را خیلی زودتر رها کرده و رفته بودند.

بر اساس داده‌های منتشر شده توسط وزارت حفاظت از شهروندان یونان، افرادی که به دلیل قاچاق زندانی شده‌اند، اکنون ۲۰ درصد از جمعیت زندانیان یونان را تشکیل می دهند و تا فوریه ۲۰۲۳ بیش از دو هزار نفر در زندان‌های یونان بوده‌اند.

فعالان و وکلای مدعی می کنند افرادی که متهم به قاچاق اند از همان ابتدا مجرم شناخته و بر اساس شواهد ناچیز محکوم می شوند. دیمیتریس جولیسی، وکیل پروژه حقوقی حقوق بشر در جزیره یونانی ساموس، می گوید که اکثر کسانی که متهم به قاچاق اند تا روزی که به دادگاه مراجعه می کنند، به حمایت قانونی دسترسی ندارند و وکیل عمومی تعیین شده فقط اندکی قبل از محاکمه پرورنده آنها ملاقات می کند.

یوسف مولایی، وکیل و حقوقدان حقوق بین الملل، اما به هم‌میهن می گوید این وظیفه وزارت امور خارجه است که پرورنده ایرانیانی را که اینگونه به زندان‌های خارج از کشور می افتند، پیگیری کند: «خانواده این افراد باید وکیل بگیرند و از طریق سفارت‌ها و کنسولگری‌های ایران خواهان کمک در پرورنده‌هایشان باشند.» او می گوید: «خانواده‌ها به تنهایی در این پرورنده‌ها به جایی نمی رسند و باید حمایت‌های دولتی پشت آنها باشد تا بتوانند به جوابی برسند. معمولاً قوانین موجود بین المللی در این باره درباره پناهجویان عمل نمی شود و نیاز به اقدامات دیپلماتیک در این زمینه است.»

ماجراي آن ۱۲ نفر

باران می آمد، ایرها اخم‌هایشان در هم رفته و می یاریدند. دو لیتر عراقی نمی گذاشتند آتش بی‌پا شود برای گرم کردن. بهنام با آنها دعوی‌شان شد و آتش زد به برگ‌های نیمه‌خیس زیر درخت‌های جنگل‌های بلغارستان. فردای آن شب، وقتی سپیده طلوع کرد، آن ۱۲ نفر، آن ۱۲ نفر سرگردان در میان درخت‌ها، دیدند رسیده‌اند کنار جاده‌ای که آن طرفش رستورانی جاده‌ای غذایی دارد برای خوردن. اما فقط نگاه بود و نتوانستن. گرسنگی چیره شده بود. ماشین‌ها یک‌به‌یک رد می شدند و چشم‌ها منتظر آمدن «آنها»؛ آنهایی که قرار بود بیایند و این در راه‌ماندگان تشنه، گرسنه و خسته را ببرند به سرزمین موعود. یک شب دیگر هم گذشت، قاچاقچرها نقطه دیگری دادند و آنها باید سه ساعت دیگر راه می رفتند، رفتند. همان جا ماندند، عراقی‌های جمع گفتند یا می آیند و ما را می برند یا دیگر توانی نمانده برای حتی ۱۰۰ قدم پیاده رفتن. گفتند می‌رویم به همان رستوران و چیزی می‌خوریم. فوقش می‌آیند و می‌گیرنمان. هر چه بادا باد. عراقی‌ها، سوری‌ها و ایرانی‌ها دل به دریا زده، پایشان را به جاده گذاشته و نگذاشته، مأموران از راه رسیدند. مأموران بلغار کمین کرده در پی آمدگان «غیرقانونی». بهنام و دوست دیگری اما توانستند فرار کنند و دوباره برزند به دل جنگل. زیاد دور نشده بودند که گفتند برگردیم بینیم سرب بقیه چه بلایی آمد. به جاده نرسیده بودند که داد بهنام جنگل را گرفت و صدای زوزه سنگ مأمورهای بلغار که پایش را گرفته بود. گیر افتادند: «اسیرمان کردند. تمام پول‌هایمان، گوشی‌هایمان، ساعت‌هایمان و هر چه داشتیم و نداریم را گرفتند.»

بهنام این‌ها را به «هم‌میهن» می‌گوید: از لحظه‌های وحشت و ناامیدی و در ماندگی: «اگر می‌فهمیدند چیزی قايم کرده‌ایم آنچنان کتک می‌خوردیم که خدا بداند. باید پول‌ها را می‌دادیم، دادیم؛

روایت

پناهجویان



هر چه داشتیم تأیید کرد بعد از این همه در به دری حداقل کتک نخوریم. سوار ماشین شدیم، در جای سگ‌ها. همان سگ‌هایی که بایم را گاز گرفتند و گیرم انداختند. رسیدیم لب مرز ترکیه. هر یک مأموران اندازه چهار مأمور ما بود. به هر آبی که می‌رسیدیم می‌خوردیم، مهم نبود کثیف است یا نه. ما را رها کردند همانجا. سوار ماشین شدیم و بعد از ۱۳ ساعت رسیدیم استانبول.»

بهنام پنج روز بعد از در استانبول ماندن، دوباره هوای رفتن کرد؛ این بار از آب، از دریا. دوستش به او گفته بود می‌روی و می‌میری و بهنام گفته بود «چه چاره؟ مردم هم مریدیم» و رفته بود. با پول‌های قرضی از همان دوست، سوار یک کانتینر شد تا برسد لب دریا. کانتینر قاچاقچرها که اتقدر آدم در آن بود که ۱۲ ساعت تمام همه روی پاهایشان ایستاده بودند. رسیدند به دریا، پیاده شدند و بعد قایق‌ها آمدند. ۶۰ نفر در یک قایق و ۶۰ نفر در قایق دیگری.

نزدیک دو ساعت بعد، در دل شب، موج آب هر می‌کشید و دوباره بساطش را بر تار یکی دریا پهن می‌کرد و دل قاچاقی‌فته‌ها را خالی. «رفتیم، که تمام شد، که این بار دیگر می‌رسیم و شروع می‌کنیم و اسسم را می‌گذاریم زندگی.» بهنام در این فکرها بود که صدای آژیر گوش‌هایش را پر کرد و ابرهای خیال کنار رفتند و واقعیت خودش را محکم کوبید بر صورتش؛ گیر افتادند: «مأموران قایق‌مان را به قایق خودشان بستند و برند به خشکی و یکی یکی پیاده‌مان کردند. فیلمبرداری کردند و بردن مان به زمیر. بعد به زندان ازمیر. ۲۲ روز را در آن زندان سر کردم. زندان کثیف، بی دارو و شلوغ. بعد از ۲۲ روز به مرز بازگرن تحویل مان دادند. همین که زیاد زندان نماندم، محاکمه نشدم و حکم نگر فتم خداراشکر. لیدرها را می‌گیرند و حکم‌های طولانی زندان می‌دهند. لیدر به ما می‌گفت اسمی از من نیاورد چون حتماً زندانی می‌شد. ما هم اسمی از او نیاوردیم. اما می‌گفت این دفعه ریش‌هایم را زدم دفعه بعد با ریش می‌آیم، دیگر نمی‌فهمند که من همان راه‌بدم. خیلی‌ها را می‌شناخت که مدت‌ها بود در زندان بودند. دیگر راه‌بلدانی که مثل او پناهجوها برده بودند و ۱۰ تا ۱۵ سال حکم زندان گرفته بودند، بیشترشان نه توجه کسی بودند نه قاچاقچر. مسافر بودند، پناهجو. مثل آن دو عرب سوری که پشت قایقی نشاندن‌شان که بهنام هم با آرزوهایش در آن نشسته بود. همان‌هایی که از جنگ و ویرانی گریخته بودند و حالا در ازای پول کمتری، قرار بود بشوند راه‌بلد. نقشه‌ای که نوجه‌های قاچاقچر برایشان کشیده بودند تا اگر گیر پلیس افتادند، آنها را ببرند. قایق را گرفتند و آن دو سوری را هم بردند؛ عرب‌هایی که رفته بودند پی زندگی و زندان را به جایش گرفتند. برای چند سال.

محاکمه‌های ۳۷ دقیقه‌ای

تا به حال به‌طور رسمی تعداد زندانیان ایرانی در زندان‌های یونان منتشر نشده است اما به‌تازگی نشریه «یوردلاین یورپ» در گزارشی به بررسی ۸۱ محاکمه ۹۵ نفری پرداخته که در یونان به دلیل قاچاق در هشت مکان مختلف؛ یعنی در کوموتینی، تسالونیک، رودس، ساموس، لسیوس، کرت، سیروس و کالاماتا دستگیر و محاکمه شدند. یافته‌های این گزارش نگران‌کننده است.

در این گزارش آمده، دستگیری رانندگان قایق/خودرو یا سایر افراد داخل کشتی به دلیل جرم قاچاق، یک عمل معمولی است که توسط مجریان قانون انجام می‌شود، بدون توجه به دخالت یا قصد واقعی متهم. خود پناهجویان، به‌طور سیستماتیک به جرم قاچاق محکوم می‌شوند، زیرا آنها (به‌ظاهر) رانندگی یا در رانندگی قایق یا ماشین کمک کرده‌اند. حداقل ۱۳۷۴ نفر به اتهام قاچاق در سال ۲۰۲۲ دستگیر شدند. دستگیری‌ها و تحقیقات اولیه مملو از نقض فاحش حقوق بشر است؛ از جمله دستگیری‌های خودسرانه، خشونت و اجبار، دسترسی اندک به امکانات و حمایت قانونی، همچنین مشکلات دسترسی به روند پناهندگی در طول بازداشت. ۸۴ درصد پرورنده‌ها به‌طور متوسط هشت ماه در بازداشت موقت قرار دارند. تا ۲۸ فوریه ۲۰۲۳، ۶۴۴ نفر به اتهام قاچاق در بازداشت